

بخشی از دست پنهان

عباس عبدي

چند روز پیش یادداشتی نوشتم با این عنوان که «آیا دستی پشت ماجراست؟» موضوع مربوط به شرح مسائلی بود که پیرامون واکسن و درمان کرونا وجود داشت. با پناه بردن به نظریه توطئه نتیجه گرفته بودم که حتما دست‌هایی پشت ماجراست که شاهد چنین تصمیماتی هستیم، والا عقل سلیم نمی‌پذیرد که بدون وجود چنین دست‌هایی، شاهد این حد از سیاست‌های ناخردانه و ضد مردمی باشیم. همان روز یکی از دوستان پرسید که آیا دست پنهان را پیدا کردی؟ گفتم اگر پیدا کرده بودم که به آن اشاره می‌کردم. اکنون فقط می‌توان منتظر بود تا آشکار شود. اکنون می‌خواهم قرآینی از یکی از این دست‌های پنهان را تقدیم کنم، بلکه پاسخی برای آن یافت شود. زمانی که کرونا آمد برای مقابله با آن چند راه پیش روی بشر بود؛ اول پیشگیری، دوم درمان و سوم ایمنی. پیشگیری یعنی همان پروتکل‌هایی که گفته شد و همه با آن آشنا هستیم. همچون رعایت فاصله، قرنطینه، کاهش ارتباطات فیزیکی، شست‌وشوی دست‌ها، ضدعفونی کردن، ماسک زدن و خوردن برخی مواد غذایی و مواد تقویتی و... البته این پروتکل‌ها به مرور اصلاح می‌شد ولی چندان غیرمتعارف یا نامعقول نبود. سخت‌ترین آنها که ماسک بود، برای ما شناخته شده بود و از نزدیک شدن به افراد مبتلا به آنفلوآنزا پرهیز می‌کردیم یا ماسک می‌زدیم. راه سوم یعنی ایمنی نیز همان پیشگیری است به علت تفاوت کیفی متمایز شده است. این راه فقط از طریق تولید واکسن عملی بود که حداقل یکسال و شاید هم بیشتر زمان لازم داشت تا به واکسن مورد اعتماد دست یافته شود. در این فاصله بخش درمان از همه مهم‌تر بود، زیرا بشر نمی‌توانست درمان را به ماه‌ها و سال‌های بعد موکول کند. در نتیجه طبیعی بود که برای بیماران باید دارو تجویز شود. برخی داروها آمد و رفت. تصور می‌شد موثر است، پس از مدتی از گردونه تجویز حذف شدند. ترکیبی از داروهای بیماری‌های مشابه را تجویز کردند.

اثر بخشی دارو نیز نیازمند مطالعات مفصلی است ولی فرصت این کار نبود و بیماران را باید با دارو یا حتی دارونما راضی می‌کردند. در این میان دو دارو بیش از بقیه جدی تلقی شد. رمدسیویر و فاویپیراویر به عنوان دو داروی موثر برای این بیماری شناخته شد. ماده اولیه آن وارد و در داخل تولید و هر عدد رمدسیویر 700000

تومان فروخته شد! در مقاطعی قیمت آن در بازار سیاه و غیرقانونی به 50 میلیون هم رسیده بود! ظاهراً با ورود نهادهای بازرسی قیمت به 340 هزار تومان کاهش یافت. فارغ از این وضعیت بفرنج چند نکته بسیار مهم در این ماجرا وجود دارد. اول اینکه شرکتهای تولیدکننده این داروها در ایران کدام هستند و صاحبان سهام و ذینفعان آنها چه کسانی هستند؟ این شرکتهای ذاتاً هیچ کار بدی نکرده‌اند، دارو تولید و عرضه می‌کنند و این به نفع مردم است البته سود هم می‌برند اشکالی هم ندارد. ولی چرا دارویی که تا چند ماه پیش از آن داروی بیمارستانی محسوب میشد، به یک باره و هنگامی که تاریخ مصرف آن در حال تمام شدن است در داروخانه‌ها توزیع شد؟! چه کسی دستور این کار را داد؟ و چه اثری بر قیمت آن داشت؟ و او چه سهمی از کارخانه تولید این دارو را داشته است؟ مساله دیگر و مهم‌تر اینکه این دو دارو در ابتدا براساس شواهد و قراین اولیه به بیماران تجویز شد ولی چرا تجویز آن ادامه یافت؟ در حالی که باید گزارشهای علمی و معتبر اثربخشی داروها تهیه و منتشر میشد. چرا در حالی که بسیاری معتقد بودند؛ این داروها به ویژه فاویپیراویر اثربخشی ندارد، صدها میلیارد تومان از مواد آن وارد و در اینجا تبدیل به دارو و به خورد مردم و بیماران داده شد. گفته میشود که فروش رمدسیویر فقط در سال 1399، بیش از 2140 میلیارد تومان بوده است. شرکت اکتوور چه نقشی در تولید این داروها داشته و آقای سعید نمکی چه نقش یا سهمی در این شرکت دارد؟ شرکت (سبحان انکولوژی) برکت در تولید این دارو چه نقشی داشته است؟ آیا تاخیر در واردات واکسن ربطی به این پاسخها ندارد؟ همچنین جزییات قرارداد تولید واکسن اسپوتنیک شرکت اکتوور با روسها چرا متفاوت از واقعیت آن اعلام شد؟ به‌طور کلی اعضای کدام یک از شرکتهای دارویی در شوراها و کانونهای تصمیم‌ساز حضور دارند که بتوانند در تصمیمات نظام درمانی و دارویی کشور اثرگذار باشند؟ تعداد زیادی داروساز، ویرولوژیست، ایمنولوژیست و اپیدمیولوژیست هرکدام طرف قرارداد یا عنصر اصلی تولید یک یا چند دارو و واکسن با شرکتهای و دستگاههای حکومتی یا خصوصی هستند. اصل این کار ایراد ندارد. ولی حضور آنان در کمیته‌های علمی و تصمیم‌سازی موجب تعارض منافع و ایراد است. شاید پاسخ به این پرسشهای روشن، به ما نشان دهد که آیا دستی پنهان در ماجرای عدم واردات واکسن بوده است یا خیر؟ به‌طور کلی باید یک تحقیق کامل از سیاست دارویی در ماجرای کرونا صورت پذیرد تا خیلی از ابهامات رفع شود.